

ژورنال

شماره ۸۳۱

۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴ - ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی!

یک سؤال از سیامک بهاری

خودکشی و ریشه‌های آن

میلاذ رابعی

کودک‌همسری و توقف انتشار آمار

سیما بهاری

بیانیه تشکلهای صنفی و مدنی به مناسبت دومین سالگرد

انقلاب زن، زندگی، آزادی

فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی!

یک سؤال از سیامک بهاری

سوسن صابری: بعضی کارشناسان اقتصادی و حتی از کارکنان مجلس رژیم خطفقر برای یک خانواده سه نفره در تهران را ۲۰ میلیون تومان اعلام کردند و اینکه ۲۶ میلیون نفر از مردم ایران دچار فقر هستند و توانایی برآورده کردن نیازهای ابتدایی خود را ندارند. مردمی که با پوست و گوشت خود فقر و نداری را هر روزه لمس و تجربه می کنند البته نیازی به این اطلاعات و آمار ندارند. مسئله و سؤال اصلی این است که چه باید کرد؟ تا کی باید بخش بزرگی از مردم از ابتدایی ترین امکانات زندگی و نان شبشان

محروم باشند؟

سیامک بهاری: گسترش فلاکت عمومی و جامعه فقرزده، میلیون‌ها مردمی که بر کوهی از ثروت، به یک وعده‌غذایی محتاج شده‌اند، میلیون‌ها مردمی که دارند با گرسنگی آشکار و پنهان دست‌وپنجه نرم می‌کنند و از هستی ساقط شده‌اند را دیگر نمی‌توان زیر عبا پنهان کرد! نکبت فقر و فلاکت تحمیلی آن‌چنان بر چهره جامعه زخم انداخته است که قابل پوشاندن نیست. آمارهای تکان‌دهنده مسئولین کشوری از فقر عمومی، فقط ذره‌ای از کارنامه سراسر فساد مافیای حکومت اسلامی است که زیر انبانی از پنهان‌کاری، جعل حقیقت و آمار و تئوری‌های ماست‌مالی شده اقتصادی بیان می‌شود.

دلار ۶۰ هزار تومانی و سفره‌های خالی، خطفقر سی میلیون تومانی و فلاکت عمومی را مردم با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. مردم ایران عامل بقا و مسبب این حرمان و سیه‌روزی، این فقر و فلاکت و گرانی، بیکاری و تورم را به‌خوبی می‌شناسند. فریاد می‌زنند «زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی!»

قبل از هشدارهای «کارشناسان» به خیابان‌ها ریخته‌اند، تحصن و اعتصاب و اعتراض کرده‌اند، دستگیر و شکنجه و زندان و اعدام شده‌اند. فسادهای نجومی و فلاکت عمومی را فریاد زده‌اند! در تجمعاتشان شعار داده‌اند «یک اختلاس کم‌بشه مشکل ما حل میشه». راه‌حل آورده‌اند، شوراهای

محل زیست و کار را پایه‌ریزی کرده‌اند و به کل
بساط حاکمیت دزدسالار، به سپاه پاسداران و در
رأس آن مافیای بیت رهبری و شخص خامنه‌ای
گفته‌اند «داعش ما شماید»!

جامعه در فقر فرورفته است، شاخص فلاکت را
در جیب خالی، در گرانی افسار گسیخته، در سفره
خالی خود، در استثمار طاقت‌فرسای کودکان،
در مدارس تخریبی، در آموزش و پرورش پولی و
کالایی، در محرومیت از بهداشت و درمان، تجربه
می‌کند و شاهد است که ۶۰ درصد به هزینه
سیاست‌های نظامی، تسلیحات اتمی، ماجراجویی
تروریستی و سازماندهی خیل لشکرهای نیابتی
در عراق و سوریه و یمن و لبنان تا حماس و

جهاد اسلامی فلسطین افزوده شده است.

جامعۃ المصطفی العالمیه و آیت الله‌های گردن کلفت
بیلیونر و خیل آقازاده‌ها و ۲۵ نهاد مفت‌خور
مذهبی فقط در یک قلم با بودجه نجومی ۷۶۰ هزار
میلیارد یعنی سه برابر بودجه آموزش و پرورش از
سفره خالی مردم ایران تغذیه می‌شوند.

مادام که حکومت اسلامی و کل دستگاه دزدسالار
و خیل دستگاه مافیایی فساد حکومتی، دلیل و
اساس تداوم افزایش فقر و فلاکت و محرومیت
و سقوط سطح رفاه جامعه به دره خط بقا
انگشت‌نشان نشود، هنوز حتی یک‌ذره حقیقت
تداوم فقر و فلاکت تحمیلی به جامعه افشا نشده

است.

دولت‌های منصوب خامنه‌ای که نام آبدارچی بر خود گذاشته‌اند، یکی پس از دیگری می‌آیند، وعده‌ووعید می‌دهند، با بودجه ریاضت اقتصادی سراغ تتمه و ته‌مانده سفره خالی مردم می‌روند و هر کدام به نوبه خود جراحی اقتصادی می‌کنند و نتیجه این خواهد بود که: تازه آقای وزیر امور اجتماعی کشف می‌کند: «در وضعیت فقر شدید، اگر فرد همه درآمدهش را هم خرج کند، نمی‌تواند نیاز خوراکش را تأمین کند!».

فائو سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد می‌گوید: «۴۱ درصد از ایرانیان در سه سا

گذشته با ناامنی غذایی شدید یا متوسط مواجه بوده‌اند، هزینه تهیه یک رژیم غذایی سالم در ایران از معادل چهار دلار در روز فراتر رفته و ۳۶ میلیون نفر از ایرانیان امکان برخورداری از یک رژیم غذایی سالم را ندارند». این گزارش تکان‌دهنده، یعنی سقوط اکثریت جامعه به دره بقا برای یک‌لقمه‌نان!

شورش گرسنگان در اعتراضات عظیم سال ۹۶ تا ۹۸، سپس خیزش انقلابی زن زندگی آزادی که در آستانه بزرگداشت دومین سال آن هستیم پاسخ روشن جامعه برای خاتمه‌دادن به فقر و فلاکت، برای به زیر کشیدن و سرنگونی عاملان و آمران آن است.

پاسخ مردم گسترش اعتراض، تکثیر اعتصابات
قدرتمند و سراسری پرستاران، گسترش شبکه‌های
اعتراضی در سراسر کشور، تقویت جنبش
دادخواهی و علیه اعدام، گسترش بی‌حجابی و
آمدگی هر چه بیشتر در داخل و خارج در سالروز
انقلاب است.

خودکشی و ریشه‌های آن

میلا د رابعی

امروز ده سپتامبر روز جهانی پیشگیری از خودکشی است. خودکشی از آن دسته مقولاتی است که علل متعدد و فراوانی را می‌توان برای آن برشمرد. از افسردگی‌های مزمن گرفته تا مشکلات زندگی شخصی و عوامل اجتماعی. با یک نگاه به آمار و علل خودکشی در جهان و خصوصاً در ایران پی می‌بریم که همواره مشکلات اجتماعی نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر عوامل در بروز خودکشی‌ها داشته‌اند.

از نظر تاریخی نیز اولین بار و به صورت جدی در

قرن هفدهم این مسئله به دلیل بالارفتن آمار خودکشی میان زنان که ناشی از تبعیضات جنسیتی بود وارد جامعه‌شناسی و فلسفه شد و نظریات امیل دورکیم در این مورد از آن زمان تا به حال به‌عنوان مرجعی معتبر مورد استناد است.

در جوامع پیشرفته کنونی مسئله پیشگیری از خودکشی به یکی از وظایف اصلی بخش درمان و دولت تبدیل شده است. به این معنا که حتی در مواردی که علل فردی و مشکلات شخصی خطر خودکشی را بالا می‌برد، خانواده‌ها با آموزش‌هایی که از پیش دیده‌اند در همکاری با مراکز روانی و انجام مجموعه‌ای از اقدامات از بروز آن تا حد زیادی جلوگیری می‌کنند.

در ایران کنونی اما وضع کاملاً به شکل دیگری است. درصد بسیار بالایی از خودکشی‌ها در ایران مستقیماً دلایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارند. پایین آمدن سن خودکشی مدلول همین امر است. تأثیر مناسبات اجتماعی بر خودکشی‌ها در ایران چنان واضح و غیرقابل کتمان است که حکومت، حاضر به ارائه هیچ آمار دقیق و انجام بررسی برای روشن شدن ابعاد فاجعه نیست. حکومت اسلامی نه تنها کوچک‌ترین تلاشی در جهت پیشگیری در این زمینه انجام نمی‌دهد؛ بلکه نفس وجودش، قوانین و مقرراتش و مناسبات اجتماعی و اقتصادی‌اش مهم‌ترین عامل خودکشی شهروندان است.

آمار بالای اعدام‌ها در ایران گویای یک اصل کلی

همه‌شمول است و آن "ارزش جان انسان‌ها" نزد حکومت است. وقتی در جامعه‌ای این شاخص حیاتی تا این حد نزول کند، وضعیت بهداشت و درمان و تلاش برای نجات جان آحاد جامعه روشن است. رژیم‌هایی که خود بزرگ‌ترین قاتل شهروندانش باشد، خودکشی افراد برایش امری کاملاً علی‌السویه است.

در احکام و ایدئولوژی اسلامی خودکشی اساساً جرم و گناه است و نه یک معضل اجتماعی قابل حل. این حکومت قربانیان خودکشی را قاتل، نجس و ناپاک می‌شمارد.

قربانیان خودکشی، قربانیان مستقیم این رژیم و قوانین و مناسبات آن هستند. در این مورد

جمهوری اسلامی اصل صورت مسئله است که
تنها با سرنگونی آن می توان به راه حل های مؤثر
اندیشید.

کودک‌همسری و توقف انتشار آمار

سیما بهاری

”انتشار آمار دربارهٔ کودک‌همسری در ایران متوقف
شده!“

این روزها به خیابان در ایران که نگاه می‌کنی،
حس غرور و خشم هر دو را می‌توانی در اعماق
وجودت احساس کنی.

دفاع از حرمت و حیثیت انسان از ذره ذره هر
گوشه و کنار شنیده می‌شود. در اعتراض و تجمع
بازنشستگان در تهران دولت به چالش کشیده
می‌شود. وقتی تظاهرکنندگان فریاد می‌زنند ”وزیر

تعاون باید بیاد خیابون“ یعنی دولت، یعنی وزیر
باید پاسخگوی مطالبه آنها باشد. وقتی معلمان
شریف و آگاه از غیرایدئولوژیک شدن کتاب‌های
درسی می‌گویند و یا پرستاران به غیراستاندارد
بودن بیمارستان‌ها و کمبود تجهیزات پزشکی
اعتراض دارند، اینها نشانه دفاع بخش‌های مختلف
از حرمت و شأن انسان است. اینها غرور ماست.
به این تن‌دادن می‌بالیم. جامعه دارد پوسته‌ه
آنچه بوی عقب‌ماندگی و تحجر و هر آنچه له
کردن و نامحترم شمردن بشر است را از خود
جدا می‌کند. تاروپود جامعه تشنه نو شدن است و
این اوضاع به جمهوری اسلامی اجازه نمی‌دهد به
هر کاری به راحتی دست بزند. دیگر مردم مدرن
نمی‌پذیرند.

مسئولین گفته‌اند آمار کودک‌همسری را منتشر نکنند. چرا؟ چون از خشم مردم می‌ترسند. وگرنه شرمشان نمی‌شود که بگویند "مادران ۱۴ ساله". آمار این فاجعه نباید پخش شود تا انسانیتی که خود را موظف می‌داند از کودک و حق کودک دفاع کند، به این آمار استناد نکند. جلو انتشار آمار را می‌گیرند درحالی که سدی در مقابل خود پدیده نه تنها وجود ندارد که خود دولت و قوانین این عمل را تشویق می‌کنند.

امروز پرستاران و کارگران و بازنشستگان، زنان و دانشجویان و جوانان دارند از بندبند یک منشور مدرن و انسانی که حقوق همه شهروندان از جمله کودکان را شامل می‌شود با مشتهای گره کرده و

با قدم‌های استوار در خیابان‌ها با آهنگی دلنواز
و گوش‌نواز و بسیار بلند فریاد می‌زنند. ما قصد
عقب‌نشینی نداریم. در آستانه دوسالگی انقلابمان
هستیم. دستاوردهای تا کنونی را که با جان
شیرین عزیزانمان، با ازدست‌دادن چشم‌های زیبای
فرزندانمان، و با جسارت باشکوه زنان و مردان
حاضر در صحنه به دست آمده پاس می‌داریم.
نباید بگذاریم بیشتر از اینها کودکی بچه‌هایمان را
بدزدند. نباید اجازه بدهیم بال پرواز کودکانمان را
قیچی کنند. آنها جلو انتشار آمار کودک‌همسری
را می‌گیرند و ما جلو این پدیده نفرت‌انگیز
می‌ایستیم.

بیانیه تشکل‌های صنفی و مدنی به مناسبت دومین

سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی

دیروز دوشنبه ۱۹ شهریور چندین تشکل و نهاد صنفی و مدنی با انتشار بیانیه‌ای مشترک به مناسبت دومین سالگرد انقلاب مهسا تأکید کردند که "ما امروز راهی جز ادامه متحدانه و گسترده انقلاب زن زندگی آزادی پیش روی خود نداریم".

امضاکنندگان این بیانیه: شورای بازنشستگان ایران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات

کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، شورای
هماهنگی اعتراضات پرستاران، کانون گفت‌وگوی
بازنشستگان تأمین اجتماعی، ندای زنان ایران،
نهاد دادخواهان، انجمن برق و فلز کرمانشاه، و
صنف معلمان ایران، همچنین نوشته‌اند:

”دو سال از قتل حکومتی مهسا ژینا امینی و
فوران انقلاب زن زندگی آزادی می‌گذرد. انقلابی
اجتماعی که با اعلام دیگه تمومه ماجرا عروج
کرد و آزادی خواهی، معیشت توأم با رفاه عمومی،
برابری طلبی، مدرنیسم و سکولاریسم را به صف
کشید.“

در ادامه و بخش‌هایی از این بیانیه چنین آمده
است:

تقابل اجتناب‌ناپذیر اکثریت مردم با حکومت، از سال‌ها قبل، بر سر بدتر شدن شرایط سخت زندگی در جریان بوده و چنان‌که می‌بینیم طی دو سال گذشته، خیابان به‌عنوان مظهر وجودی انقلاب همواره در تسخیر معترضان بوده است. دادخواهان، بازنشستگان، کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، مال‌باختگان و زنان شجاعی که از خاکریز فتح شده حجاب، قدمی به عقب برنداشته و خیابان‌ها را به عرصه نبرد تبدیل کرده‌اند.

امروز ما با یک جنبش قوی بر سر معیشت، آزادی و برابری در سطح جامعه روبرو هستیم. گرچه خیزش گسترده مردمی در این دو سال

با فجیع‌ترین اشکال سرکوب حکومتی روبرو و تمام قدرت پلیسی و نظامی و امنیتی و زندان و اعدام برای عقب راندن فضای انقلابی به کار گرفته شد، ولی این رویکرد هرگز نتیجه نداد و به جرئت می‌توان ادعا کرد که قوی‌ترین جنبش علیه شکنجه و اعدام در همین شرایط سرکوب شکل گرفت.

جامعه معترض ایران نه تنها مرعوب نشده، بلکه با فشرده‌تر شدن فتر خشم و نفرت اکثریت، زمینه برای به سرانجام رساندن انقلاب ناتمام زن، زندگی، آزادی با قدرتی مهیب‌تر از دو سال قبل مهیا گردیده است و ما مردم به‌جان آمده، می‌دانیم که راهی جز ادامه متحدانه و گسترده

انقلاب زن زندگی آزادی پیش روی خود نداریم.

در انتهای بیانیه چنین آمده: اینک در دومین سالگرد انقلاب نوین زنانه تاریخ، ما معلمان، ما کارگران، پرستاران و بازنشستگان، ما زنان و دادخواهان، ما جوانان آزادی خواه و ما مردمی که از فقر و فساد و گرانی و ظلم و تبعیض حاکمان به جان آمده ایم، با ادامه اعتراضات، تجمعات و اعتصاباتمان و فریاد دوباره اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد، با گرامیداشت قدرتمند و پرشور سالگرد آغاز انقلاب، یک صدا با هم برای برچیدن مناسبات نابرابر، پایان دادن به بی حقوقی زن و بردگی مزدی و بازگرداندن اختیار به انسان هم پیمان می شویم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال